



وَيَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ...

اعراف: ٣٠

دو فصلنامه علمی معنویت پژوهی

شماره اول؛ بهار و تابستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: پژوهشکده مطالعات معنوی

مدیرمسئول و سردبیر: حمید رضا مظاهری سیف

مدیر داخلی و دبیر تحریریه: سید رضا سجادی

ویراستار: گروه ویراستاری

طراح جلد و صفحه آرا: مجید گودرزی

شمارگان: ۲۰

قیمت: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

اعضای تحریریه: حمیدرضا مظاهری سیف، حسین عرب، رسول حسن زاده،
مسلم گریوانی، محمد جواد نصیری

آدرس: قم بلوار بهشت بعد از بوستان جنت پلاک ۹۵ واحد ۳۰۹

کد پستی: ۳۷۱۶۹۶۳۴۳۱

تلفن: ۰۲۵۳۲۴۰۰۸۸۷

آدرس سایت پژوهشکده: www.spiritualitystudies.ir

ویژه نامه شبه جنبش های معنوی در ایران

۴..... **سرمقاله**

۶..... جریان شناسی شبه جنبش های معنوی در ایران

۶..... مقدمه

۶..... از پیدایش تا گسترش

۱۰..... اهم آسیب ها

۱۰..... منابع

۱۲..... **چستی شبه جنبش های معنوی**

۱۲..... مقدمه

۱۲..... فرقه

۱۳..... جنبش اجتماعی

۱۴..... شبه جنبش

۱۵..... شبه جنبش های معنوی و قدرت نرم

۱۸..... شبه جنبش های نوع دوم

۲۰..... نتیجه

۲۱..... منابع

۲۳..... **راهکار های مقابله با شبه جنبش های معنوی**

۲۳..... مقدمه

۲۳..... بسترسازی برای ایجاد شبکه مردمی

۲۵..... شناسایی و حمایت از گروه های فعال

۲۵..... تدوین برنامه حمایتی مؤثر

۲۷..... مقابله فعال و پیشگیرانه

۳۱	منابع
۳۲	کارنامهٔ مقابله با شبه جنبش های معنوی
۳۲	مقدمه
۳۲	پیشگامان مقابله
۳۳	آغاز ماجرای مقابله با شبه جنبش های معنوی
۳۴	اقدامات مراجع
۳۴	مرکز مدیریت حوزه های علمیه
۳۵	دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم
۳۷	نهاد رهبری در دانشگاه ها
۳۸	دانشگاه ها
۳۹	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۴۰	سازمان تبلیغات اسلامی
۴۰	موسسات مردمی
۴۲	جمع بندی

سرمقاله

عرفان های کاذب یا معنویت های نوظهور که ما آن را شبه جنبش های معنوی می نامیم؛ یکی از مباحث چالشی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ بود. اگرچه امروزه کمتر از آن سخن گفته می شود، ولی هنوز هم، مسأله شبه جنبش های معنوی از مهمترین مسائل فرهنگی و اجتماعی ایران است.

شبه جنبش های معنوی از عرصه های مهم رویارویی اسلام و انقلاب اسلامی با جهان جدید است. در چند دهه اخیر تمدن غرب با بحران هایی روبرو شد، که در بحران معنویت ریشه داشت. اندیشمندان و آینده پژوهان غربی به خوبی این موضوع را تشخیص دادند و بر اساس ارزش ها و آرمان های نظام لیبرال سرمایه داری، تلاش کردند تا راهی برای گذر از بحران های معنوی بیابند. برای حل این بحران ها دین ها و جریان های معنویت گرای نوظهوری پدید آمد، تا از یک سو پاسخ گوی نیازهای معنوی بشر باشد و از سوی دیگر مانع بازگشت انسان معاصر به ادیان اصیل شود. این موضوع به ویژه با رخداد انقلاب اسلامی برای استراتژیست های آمریکایی اهمیت بیشتری یافت.^۱

سازمان های شبه جنبش معنوی برخی از رنج های مردم و اعتراض های آنان را نسبت به وضع موجود بیان می کنند، ولی آرمان ها و برنامه هایی را ارائه می دهند که با طرح ها و راهبردهای نظام لیبرال-سرمایه داری هماهنگ شده است. این جریان ها با حمایت رسانه ای و تبلیغاتی کانون های قدرت به محبوبیت، شهرت و نفوذ در بین مردم می رسند و در جهت جامعه پذیر سیاسی و فرهنگی نسبت به ارزش ها و برنامه های نظام لیبرال-سرمایه داری کارایی دارند.

۱. رک: مظاهری سیف، معنویت رهایی بخش؛ همو، آسیب شناسی شبه جنبش های معنوی

شبه جنبش‌های معنوی با ارائه چشم‌انداز معنوی از آینده و تحولات پر جاذبه پیشرو، فروغ امید را در دل مردم می‌افروزند و بر نقش معنوی و تعیین‌کننده سرمایه‌داران در این فرآیند تأکید می‌کنند. آنان مزده می‌دهند که تمام بحران‌های بشری حل خواهد شد و عصر جدیدی سرشار از رفاه و شادی با پیشگامی نظام سرمایه‌داری و ثروتمندان جهان فرا خواهد رسید.

اگرچه این نوع حقیقت‌دروغین، کاملاً غیرمنطقی و غیرفطری به نظر می‌رسد؛ ولی اگر مردم به خودآگاهی معنوی نرسند و با معنویت‌رهایی‌بخش آشنا نشوند. عرفان کاذب بر معرفت حقیقی غلبه خواهد کرد و ساختارهای سلطه و ستم تداوم خواهد یافت. قدرت پول؛ مهارت در مدیریت افکار عمومی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطاتی و رسانه‌ای به معنای تسلط مطلق و شکست‌ناپذیر نیست. معنویت برساخته‌هوا بشر، با واقعیت‌های فطری سازگار نیست و این تعارض، گسل زلزله‌ای است که تمدن لیبرال-سرمایه‌داری با همه هوشمندی و برخورداریهایش بر آن بنا شده است.

معنویت غیر حقیقی اگرچه جولان و جاذبه ظاهری داشته باشد، اما نمی‌تواند دل‌ها را برآید. «هرجا معنویتی عمیق‌تر و خالص‌تر و سالم‌تر و منطبق‌تر با فطرت بشر باشد، جاذبه بیش‌تری برای ملت‌ها خواهد داشت.»^۲ به شرط اینکه معنویت حقیقی عرضه شود و برای گسترش آن تلاش کافی صورت بگیرد. جاذبه‌های ذاتی معنویت حقیقی مردم را از معنویت‌های دروغین رویگردان می‌کند و در صورت بیداری معنوی مردم، زلزله‌ای رخ می‌دهد که تمدن تهی از معنای غرب را فرو می‌ریزد.

جریان شناسی شبه جنبش های معنوی در ایران

مقدمه

سالهاست که در کشور ما از معنویت های نوظهور سخن گفته می شود، اما تعریف روشنی از آن وجود ندارد. تعریف را گاهی بر اساس مفهوم و گاهی بر اساس مصادیق بیان می کنند. تعریف های مفهومی به کار نظریه پردازی و مطالعات دانشگاهی می آید و تعاریف کاربردی که به مصادیق عنایت دارد، بیشتر در میدان عمل و تصمیمات اجرایی و سیاست گذاری راه گشاست. در این مقاله کوتاه می کوشیم شبه جنبش های معنوی را بر اساس مصادیق و جریان شناسی آنها در ایران تعریف کنیم. اینگونه تعاریف در خصوص موارد موجود شفاف و کارآمد است اما چون مبتنی بر مفهوم و معیارهای تشخیص نیست، در رابطه با مواردی که در آینده پدید می آید، نیازمند بازنگری و بازنگاری است.

از پیدایش تا گسترش

معنویت های نوظهور بیش از ۵۰ سال است که به ایران وارد شده اند. در دهه ۴۰ برخی از عرفان های شرقی نظیر جامعه بین المللی آگاهی کریشنا (هارکریشنا) و برخی جریان های یوگا و افکار کریشنا مورتی از طریق برخی از درباریان نظیر مجید موقر و فرامرز عطار به ایران راه یافت. پس از آن در اواخر دهه ۵۰ عرفان سرخ پوستی از طریق ترجمه آثار کارلوس کاستاندا به ایران رسید؛ ابراهیم خواجه نوری از سناتورهای زمان پهلوی مکتب پناه را به راه انداخت که شاگردان او نظیر محمود معظمی امروز در ایران در شمار اساتید معنوی هستند. همچنین اولین ترجمه ها از اشو اوایل دهه ۵۰ در ایران منتشر شد. در دهه ۶۰ شتاب گسترش این جریان ها کم بود، اما در دهه ۷۰ سرعت گسترش شان به طور سرسام آوری افزایش یافت.

حجم انبوهی از جریان های معنوی نوظهور در دهه ۷۰ به فضای فرهنگی ایران راه یافت. از جمله سایر آثار اشو، کریشنمورتی، کارلوس کاستاندا، بتی جین ایدی، لوئیزی، کاترین پاندر، ساتیا سایی بابا، دالایی لاما، آثاری مربوط به دین تفکرنو که در اواخر قرن نوزدهم در آمریکا پدید آمده بود... در این میان آثار مربوط به جریان اکنکار بیش از همه در دهه ۷۰ منتشر شد و آموزش اکنکار به طور سازماندهی شده در ایران گسترش یافت. همچنین در این دهه جریان الهیسم به سرکردگی پیمان فتاحی که با نام مستعار ایلیا میم، رام الله فعالیت می کرد، پدید آمد و هزاران نفر را به خود جلب کرد. با جریان اکنکار و الهیسم به علت برخی مسائل امنیتی وزارت اطلاعات برخورد کرد، اما ده ها جریان دیگر به فعالیت خود ادامه دادند.

مدعیان دروغین که در گذشته ادعاهایی در رابطه با تعالیم سنتی دین داشتند، در دهه هفتاد رویکردی نوظهور پیدا کردند. آنها می کوشیدند تا با ادبیات عرفان های نوظهور نظیر ارتباط با کائنات، کنترل انرژی های کیهانی، جریان دادن انرژی های درونی، فعال سازی چاکراها، انواع مدیتیشن و موضوعاتی از این دست، ادعاهای خود را مطرح کنند، تا حس نوگرایی جوانان و مخاطبان را ارضاء نمایند و در جذب آنها موفق تر باشند. با این وصف در دهه هفتاد الگوهایی از تولید معنویت های نوظهور داخلی شکل گرفت که در دهه های بعد تداوم و توسعه یافت.

دهه ۸۰ علاوه بر گسترش جریان های پیشین شاهد پیدایش روز افزون معنویت های نوظهور تازه هستیم. یکی از جنجال برانگیزترین آنها عرفان حلقه است، که ده ها هزار نفر را جذب کرد و در بین خانواده های برخی از مسئولین نفوذ پیدا کرد. در دهه ۸۰ کتابها، نشریات، برنامه های آموزشی و سفرهای معنوی در داخل کشور و خارج کشور به ویژه هندوستان به قدری افزایش یافت که افراد با گزینه های فراوانی از جریان های معنوی روبرو شدند. جریان هایی که هر کدام جاذبه ای داشت و علاقه مندان می خواستند از همه آنها استفاده کنند. مسأله مهم دهه ۸۰ این بود که هر کس از داده های

موجود معجون مورد علاقه خودش را می ساخت و به سبک زندگی معنوی دلخواهش می رسید. ترکیبی از اسلام و بودیسم، اسلام و مسیحیت و تفکرنو، یوگا و اسلام و... این موضوع حتی دامن مبلغان دینی را هم گرفت و امروزه شاهد هستیم که برخی از طلاب و روحانیون به این ترکیب ها دست می زنند و نماز و وضو و موضوعات دینی را با پندارهای نوظهور معنوی تبیین می کنند.

خودارجاعی معنوی محصول گسترش فزاینده معنویت های نوظهور است. به طوری که هر کس بر اساس میل خودش هر چه را بخواهد برمیگزیند و آن را معنویت می داند. البته میلی که از سوی رسانه ها و برنامه های تبلیغاتی جهت دهی می شود و مردم را از رهگذر آموزه های گوناگون و جریان های رنگارنگ معنوی به اصول اساسی معنویت لیبرال سرمایه داری می رساند. کسانی که به معنویت خود^۳ یا دین خود^۴ (پل هیلاس، ۱۹۹۱) دست پیدا می کنند، آرام نمی نشینند و می کوشند آن را به عنوان بخشی از هویت ابداعی خود به دیگران عرضه کنند.

دهه ۹۰ به بعد گسترش شبکه های اجتماعی و افزایش کاربری گوشی های همراه فاجعه ای عظیم به بار آورده است. هر کس که با معنویت های نوظهور آشنایی پیدا می کند، تبدیل به پیامبری برای معنویت گرایی جدید می شود. به طوری که امروزه ده ها هزار مدعی معنویت، در فضای مجازی مشغول آموزش پیش ها و روش های معنوی برای بهبود زندگی هستند. معنویت جذاب است وقتی با ارزش های لیبرالیستی و برخی اصطلاحات و نگرش های غیر دینی تلفیق می شود، بر جذابیت آن افزوده می شود. سخن گفتن از معنویت های نوظهور برای افراد احساس روشنفکری و تقدس ایجاد می کند و در مخاطبان اعتماد می آفریند. برخی از مروجان معنوی جدید

۳. self spirituality

۴. Self religion

برنامه های آموزشی شان را به قیمت های گزافی می فروشند، این موضوع دیگران را تشویق می کند که به کسب و کار پر درآمد پکیج فروشی در حوزه معنویت وارد شوند. این آموزش ها در غرب تحت عنوان خودیاری^۵ ارائه می شود و کسب و کاری را شکل داده با عنوان صنعت خودیاری^۶ که ارزش آن را بالغ بر ده و نیم میلیارد دلار ارزیابی می کنند. به این ترتیب رقابت فعالان فضای مجازی داغتر و بیشتر می شود. حتی افراد در ابتدا از خودشان هزینه می کنند تا تفکرنو و سایر آموزه های معنوی را تبلیغ کنند و به تدریج به عنوان استاد و مربی این حوزه شناخته شوند و بتوانند درآمد کسب کنند.

شبه جنبش های معنوی غربی که دائم در حال تولید محتوای جذاب و کوتاه هستند، منبع خوبی برای فعالان فضای مجازی در داخل محسوب می شوند. از این رو بازنشر آنچه در غرب تولید می شود به طور گسترده در داخل صورت می گیرد. امروز کمتر کسی است که با این جریان ها آشنا نشده باشد. کمتر کسی فکر می کند که به یک جریان معنویت گرا و شیک که از امور باطنی سخن می گوید، باید نگاه آسیب شناسانه داشته باشد. چه بسا بسیاری از افراد در فضای فاسد و مادی و پوچ گرای مجازی وقتی با اینگونه صفحات برخورد می کنند، به نظرشان می رسد که صفحات ارزشمندی هستند که دین را به زبان جدید بیان می کنند. این ویژگی ها باعث افزایش ضریب نفوذ معنویت های نوظهور حتی در بین قشر مذهبی شده است.

در رصدهای انجام شده توسط پژوهشکده مطالعات معنوی قریب به هزار شخصیت جریان ساز در حوزه معنویت های نوظهور در کشور شناسایی شد. این رصدها به مرحله اشباع نرسیده و آمار واقعی بیش از اینهاست. در این میان برخی جریان ها بستر ساز و سرچشمه پیدایش جریان های مختلف

۵. Self help

۶. self-help industry

هستند. در حال حاضر دو جریان را می‌توانیم به عنوان گسترده‌ترین و مؤثرترین جریان‌های معنوی نوظهور در کشور شناسایی کنیم؛ که عبارت اند از، تفکر نو و یوگه.

اهم آسیب‌ها

۱. تحریف باورهای دینی
۲. توجیه اباحه‌گری
۳. ارزش قلمداد کردن این که هر کس باید راه معنوی یا دینش را خودش خلاقانه به دست آورد و تقلید و پیروی از دیگران به رشد معنوی ما کمک نمی‌کند.
۴. مشروعیت بخشی به نظام لیبرال سرمایه‌داری
۵. زدودن ارزش معنوی انقلاب اسلامی
۶. بازیچه شدن منابع دینی و رواج تفسیر به رأی قرآن و احادیث
۷. کاهش سرمایه اجتماعی نظام و انقلاب اسلامی

منابع

۱. مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۹۵) آسیب‌شناسی شبه جنبش‌های معنوی. قم: انتشارات صهبای یقین.
۲. والش، نیل دونالد (۱۳۹۱) ابداع زندگی میراث باربارا مارکس هابرد و آینده تو. ترجمه فرخ بافنده، میم.
۳. وولف، دیوید ام (۱۳۸۶) روان‌شناسی دین. ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
۴. لیندا وودهد. (۱۳۹۶) ادیان در دنیای مدرن، مترجمان: حمید رضائیان، عبدالله غلامرضا کاشی، قم: دانشگاه ادیان
۵. ویلسون، برایان (۱۳۸۷) جنبش‌های نوین دینی، ترجمه محمد قلیپور، مشهد، مرن‌دیز.

۶. Barker, Eileen (1990). *New Religious Movements: A Practical Introduction* (Paperback) Bernan Press
۷. Saliba, John A. (2003). *Understanding New Religious Movements*. NEW YORK. Altamira .
۸. Woodhead, Linda and Paul Heelas (2000), *Religion in Modern Times*, Blackwell
۹. Barron, Bruce. (1987) *The Health and Wealth Gospel: What's Going on Today in a Movement That Has Shaped the Faith of Millions* Paperback – January
۱۰. Heelas, Paul (1991-10-01), "Western Europe: Self-Religions", in Clarke, Peter (ed.), *The World's Religions: The Study of Religion, Traditional and New Religion*, London: Routledge (published 1991), pp. 167–173

چیستی شبه جنبش های معنوی

مقدمه

جریان های معنوی نوظهور واقعا چه هستند؟ این یک سوال مهم است. اگر به آن پاسخ ندهیم، نمی توانیم راه و روش مناسب و مؤثری برای مقابله با آنها پیدا کنیم. هر گونه سیاست گزاری، طراحی راهبرد و برنامه ریزی برای مقابله با این جریان ها منوط به شناخت درست اصل موضوع است. بنابراین در این مقاله به بررسی ماهیت شبه جنبش های معنوی می پردازیم.

شبه جنبش های معنوی در ابتدا به عنوان فرقه تلقی می شدند. (همیلتون، ۱۳۷۷) سپس عنوان جنبش اجتماعی به این جریان ها اطلاق شد. (Barker, 1990) اما به نظر می رسد این تعابیر برای معرفی این جریان ها مناسب نیست. اگر فرقه باشند، برخورد قانونی و قضایی با آنها در افکار عمومی بازتاب خوبی دارد، اما گاهی چنین نمی شود. اگر جنبش اجتماعی باشند، که حضورشان برای جامعه مردم سالار ضروری است. پس براستی این جریان های معنویت گرا چیستند؟ پس از درک واقعیت این پدیده می توانیم برای مهار و مقابله با آن تدبیر کارآمدی داشته باشیم.

فرقه

مارگرت تالر سینگر، پیشرو در تحلیل آسیب شناسی فرقه هاست و می کوشد با رویکردی روان شناختی مفهوم فرقه را تعریف کند. او سه ویژگی را برای فرقه ها توضیح می دهد: یکم، رهبری مستبد؛ دوم، ساختار سلسله مراتبی قدرت؛ سوم، مغزشویی یا استفاده از تکنیک های مجاب سازی. (Singer, 1996) موضوع مغزشویی مورد نقدهای فراوانی قرار گرفته است. (داوسون، ۱۳۹۶ ص ۳۵۳-۳۶۵) چون اعضای فرقه دارای شعور و اختیار هستند و می توانند در هر مرحله ای تصمیم بگیرند و به عضویت فرقه درنیایند و یا از آن جدا شوند؛ چنانکه بسیاری از افراد پس از مدتی از فرقه ها جدا می شوند

و به مخالفت با آن می‌پردازند. بنابراین به نظر می‌رسد که تعریف سینگر از فرقه با تأکیدی که بر مغزشویی و رهبری مستبد دارد، برای اطلاق به شبه‌جنبش‌ها چندان قابل دفاع نیست.

بنا بر تعریفی که از فرقه‌های دینی و معنوی ارائه می‌شود، آن‌ها اقلیتی جدا از جامعه هستند که اعتقادات و ارزش‌های جامعه را پشت سر می‌گذارند (همیلتون، ۱۳۷۷، صص ۳۳۹-۳۴۱)؛ و باورهایی را در تعارض با جامعه می‌پذیرند. به همین علت به انزوای اجتماعی دچار می‌شوند. در نتیجه اعضای از درون فرقه تحت کنترل هستند و روابط آن‌ها با خارج فرقه بسیار محدود است. اما شبه جنبش‌های معنوی اهل انزوا نیستند و می‌کوشند زیست اجتماعی کاملی داشته باشند و از ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای زیاد استفاده می‌کنند تا افکار دیگران و ارزش‌ها و باورهای جمعی را تغییر دهند.

جنبش اجتماعی

هنگامی که جمعی از مردم برای تغییر در عناصر اجتماعی یا حفظ برخی از عناصر اجتماعی سازمان‌دهی شوند، جنبش اجتماعی شکل می‌گیرد. جنبش‌های اجتماعی «یک خواست آگاهانه و مشترک برای تغییر» است؛ (لارنا، ۱۳۸۹، ص ۷۹) که سه کارکرد اصلی دارد: اول، فشار بر قدرت حاکم به منظور ایجاد تغییرات و برآوردن خواسته‌های مردم؛ دوم، ایجاد آگاهی جمعی و گسترش مطالبه در میان مردم؛ سوم، میانجی‌گری میان افراد جامعه و ساختارهای قدرت (روشه، ۱۳۸۱، صص ۱۳۳-۱۳۵). اگر یک جنبش بتواند افکار عمومی را با خود همراه کند و موانع پیش روی خود را بردارد، به ایجاد نهادهای جدید اجتماعی یا تغییر در نهادهای گذشته دست خواهد یافت؛ در غیر این صورت فرو می‌پاشد.

«جنبش» معنای پویایی، حرکت، مشارکت، تأثیرگذاری و زندگی اجتماعی فعال داشتن را تداعی می‌کند و از سوی دیگر با مفاهیمی نظیر جامعه مدنی،

دموکراسی و آزادی در ارتباط است. «رایج‌ترین نوع فعالیت سیاسی غیرمعارف، جنبش‌های اجتماعی هستند. تلاش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدف مشترک از طریق کنش‌هایی بیرون از حوزه نهادها مستقر» (گیدنز، ۱۳۸۸، ص ۶۳۴). جنبش‌های اجتماعی موجب تقویت وجوه دموکراتیک و آزادی‌های مدنی هستند و فعالیت آن‌ها در جوامع غیر اقتدارگرا ضرورت دارد. بنابراین لازم است مفهوم جنبش برای نامیدن جریان‌های معنویت‌گرای جدید را با احتیاط بیشتری به کار ببریم.

شبه جنبش

شبه‌جنبش‌ها سازمان‌هایی هستند، که شبیه جنبش‌های اجتماعی رفتار می‌کنند، اما در واقع وابسته به ساختارهای قدرت هستند. تغییرات اجتماعی و تکنولوژیکی استفاده از شبه جنبش‌ها را برای قدرت‌های سیاسی و اقتصادی ضروری کرده است. شبه جنبش‌ها برخی از اعتراض‌ها و مطالبات مردم را بیان می‌کنند، ولی از نظر برنامه‌ای و مالی و رسانه‌ای به کانون‌های سرمایه‌داری وابسته‌اند. آنها آرمان‌ها و برنامه‌هایی را ارائه می‌دهند که با طرح‌ها و راهبردهای نظام لیبرال-سرمایه‌داری هماهنگ شده است. شبه‌جنبش‌ها تغییرات مورد نظر نظام سرمایه‌داری را به صورت مطالبات مردمی بیان می‌کنند؛ از این‌رو، نماینده خواست جامعه مدنی نیستند.

شبه جنبش‌ها نوعی آگاهی کاذب و سلطه‌پذیرانه را در بین مردم گسترش می‌دهند و مردم را نسبت به ارزش‌ها و برنامه‌های نظام لیبرال سرمایه‌داری جامعه‌پذیر می‌نمایند. نقش میانجی‌گری شبه جنبش‌ها به نفع قدرت حاکم و برای اثرگذاری بر مردم و همسو کردن آن‌ها با طرح‌ها و برنامه‌های قدرت حاکمه است، نه اثرگذاری بر حاکمیت به نفع مردم. برخلاف جنبش‌های اجتماعی که کنش‌های مدنی واقعی هستند و وجوه دموکراتیک جامعه مدنی را تقویت می‌کنند، شبه‌جنبش‌های معنوی وجوه اقتدارگرایانه جامعه را تقویت می‌کنند. شبه‌جنبش‌ها وانمود می‌کنند که آرمان‌ها و خواسته‌های

جامعه را نمایندگی می‌کنند و قدرت‌های سلطه‌گر از سوی دیگر بازی می‌آیند و وانمود می‌کند که خواسته‌های مردم را می‌پذیرند؛ اما آنچه در نهایت اتفاق می‌افتد تغییراتی در جهت تداوم سلطه و متقاعدسازی مردم برای تسلیم شدن در برابر منافع قدرت‌های حاکم است.

شبه جنبش‌های معنوی و قدرت نرم

با گسترش ارتباطات و جریان آزاد اطلاعات، به‌کارگیری «قدرت سخت» ناکارآمد و بیش‌ازپیش نفرت‌انگیز شده است؛ اما قدرت نرم بر اساس جذابیت فرهنگی و اعتبار معنوی، در جهت تغییر ارزش‌ها و تأثیرگذاری بر تصمیمات و رفتار دیگران کارآمدتر است (نای، ۱۳۸۹، ص ۴۴). «در قدرت نرم مردم بیش از آنکه مجبور به انجام کاری شوند به همکاری گرفته می‌شوند» (نای، ص ۴۳) تا احساس کنند که به انتخاب خودشان در حال خلق زندگی و ارزش‌های اجتماعی هستند. قدرت نرم به جای تسلط بر بدن‌ها، تسلط بر قلب‌ها و اراده است.

معنویت نقش بی‌بدیلی در جذب دل‌ها و ایجاد سرمایه اجتماعی دارد. انگیزه‌های معنوی عمیق‌اند و بر سایر نیازها پیشی می‌گیرند، به‌طوری‌که ممکن است مردم برای آرمان‌های معنوی خود اموالشان را ببخشند و جانشان را ایثار کنند. این ظرفیتی غیرقابل چشم‌پوشی برای نظام لیبرال-سرمایه‌داری بود. اگرچه لیبرالیسم با تأکید بر جدایی دین و دولت شکل گرفت، ولی برای حفظ بقا خود به‌نوعی دین یا معنویت نیاز داشت، تا هم به نیاز مردم پاسخ دهد و نگذارد که به مرجعی غیر خودش رجوع کنند و هم از ظرفیت جذاب معنویت برای نفوذ در دل‌ها و تحکیم شالوده‌های سلطه استفاده کند.

علوم اجتماعی و توسعه تکنولوژی در جنگ نرم کاربرد زیادی دارد. تکنیک‌های اقناع، دست‌کاری فکری و رسوخ فرهنگی با کمک گرفتن از

فناوری اطلاعات، سلطه فرهنگی موردنیاز نظام لیبرال-سرمایه‌داری را فراهم می‌کند. تجربه بازاریابی و جذب مشتری در عرصه جهانی برای فروش کالاهای مصرفی، دانش و مهارت لازم را در اختیار شرکت‌های اقتصادی قرار داده است تا بازار اندیشه و معنویت را هم رونق بدهند و همان‌طور که ذائقه جامعه مصرفی را دست‌کاری می‌کردند، ذائقه معنوی مردم را نیز تغییر دهند و در جهت تولیدات خود مردم را تحریک کنند. امروزه یوگا بازار ۸۰ میلیون دلاری و دین تفکر نو تحت عنوان صنعت خودیاری بازار ۱۰/۵ میلیون دلاری پیدا کرده است. آنها هم معنویت می‌فروشدند و هم ارزش‌های نظام لیبرال سرمایه‌داری را در عمیق‌ترین لایه‌های وجود مردم درونی می‌سازند. «مدیران شرکت‌های تجاری و تبلیغاتی آمریکا، همانند مدیران هالیوود، نه تنها محصولات خود، بلکه ارزش‌ها و فرهنگ آمریکا و رازهای موفقیت خود را نیز به سایر مردم جهان می‌فروختند.» (نای، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲) با استفاده از این علوم و ابزارها مردم تحت سلطه هزینه‌های سلطه‌گری بر خودشان را هم می‌پردازند.

در دیپلماسی عمومی آمریکا علیه ایران آشکارا شکل‌های مورد تأیید برای نفوذ فرهنگی بیان شده است: «گسترش فرصت‌های آموزشی در سطوح پایین جامعه»، «انتشار آثار به‌صورت چاپی و الکترونیک»، «انتخاب و برنامه‌ریزی سفر سخنرانان» و... (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۸) سازمان‌هایی از جمله موسسه همایش فرازان، موسسه تکنولوژی فکر، موسسه سمینار ما، موسسه انتشاراتی نسل نو اندیش، موسسه موفقیت و ده‌ها سازمان شبه‌جنبش معنوی در قالب موسسات رسمی یا صفحات فعال و پر مخاطب در فضای مجازی در حال اجرای همین دیپلماسی هستند. در سال‌های اخیر بارها سمینارهایی با نام مدیریت تغییر، تغییر باورها و ارزش‌ها توسط کسانی که خود را رهبر معنوی جهان می‌دانند، نظیر جک کنفیلد و جان دمارتینی و بری‌ان تریسی در کشور ما برگزار شده است. همین سرمشق از سوی کسانی که در داخل کشور خود را مربی معنوی می‌دانند، تکرار می‌شود. تعداد سخنرانان داخلی که در این‌باره دوره‌ها و سمینارهایی را در بیست سال

گذشته برگزار کرده‌اند، قابل شمارش نیست. شواهد نشان می‌دهد که شبه‌جنبش‌های معنوی بخشی از دیپلماسی عمومی آمریکا علیه ایران است.

یکی از تکنیک‌های مهم نفوذ فرهنگی از طریق شبه‌جنبش‌های معنوی ایجاد بازی‌های زیبایی با ادبیات دینی است. آنها معانی واژه‌ها را هماهنگ با منافع خود تعریف و تفسیر می‌کنند و از ترکیب آن‌ها گزاره‌ها، ایده‌ها و نظریه‌هایی تولید می‌کنند که نوعی حقیقت مجازی را ارائه می‌دهد. موضوعات معنویت، خدا، عشق، آرامش جهانی، صلح و عبارات مشابه که در چند دهه گذشته به‌طور گسترده‌ای از سوی شبه‌جنبش‌های معنوی به کار رفته، با توجه به منافع نظام لیبرال-سرمایه‌داری معنا و تفسیر واقعی خود را خواهد یافت. ما نمی‌توانیم در زمینه فرهنگی اسلام آن‌ها را بفهمیم و تفسیر کنیم و مطمئن باشیم که دیگران هم این مفاهیم را با همین معانی به کار می‌برند. میشل فوکو توضیح می‌دهد که اقتصاد سیاسی حقیقت که در مراکز علمی و رسانه‌ها جریان دارد، حقیقت را تابع یک انگیزش ثابت اقتصادی و سیاسی کرده است. حقیقت به شکل‌های گوناگون، موضوع توزیع و مصرف عظیم است (در دستگاه‌های آموزش، اطلاع‌رسانی، نهادهای بین‌المللی) و در کنترل دستگاه‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی است. (فوکو، ۱۳۹۱، ص ۳۹۳) به این ترتیب حقیقت و معنا نیازمند نوعی تبارشناسی قدرت و اقتصاد سیاسی است؛ چون یک مفهوم یا نظریه یا برداشت از حقیقت کاملاً به قدرت و ثروتی که پشتیبان تولید و کاربرد آن است، بستگی دارد. برای فهم بهتر دیدگاه‌ها و مفاهیم معنوی باید ببینیم چه کسانی و به چه صورتی و در چه ساختار مفهومی آن را به کار می‌برند.

آنچه در حال وقوع است تولید نوعی حقیقت مجازی و عرفان کاذب است که نقش مشروعیت‌بخش به‌نظام سرمایه‌داری و جامعه‌پذیری ارزش‌های آن را دارد. این یک راهبرد مهم سلطه سیاسی در برابر انقلاب اسلامی است که اصلی‌ترین شاخص و جاذبه آن پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی بشریت است. (رهبری، بیانات، ۲۰/۱۰/۷۲ و ۱۴/۳/۷۴) در گذشته مفاهیم آزادی،

دموکراسی، حقوق بشر، حقوق شهروندی چندپهلوی و گاه در معنای متضاد به کار می‌رفت و به‌تازگی معنویت، عشق، آرامش، صلح درونی، خدا، خودشناسی، رشد شخصی و... در دستگاه مفهومی لیبرالیسم معانی متفاوتی پیدا کرده و به ابزاری سیاسی برای سلطه سرمایه‌داری تبدیل شده است. ساده لوحی است که ببینیم افرادی مثل دیپاک چوپرا، نیل دونالد والش و دیگران از خدا و معنویت سخن می‌گویند و اجازه دهیم به طور گسترده نگرش مردم ما را نسبت به معنویت شکل دهند.

شبه‌جنبش‌های نوع دوم

شبه‌جنبش‌های نوع اول به‌طور مستقیم با کانون‌های قدرت در ارتباطند و با حمایت و هدایت آن‌ها شکل گرفته و فعالیت می‌کنند. این شبه‌جنبش‌ها گاهی به‌صورت شبه‌جنبش‌های نفوذی، کارکرد آشکارا سیاسی پیدا می‌کنند، مانند بهائیت و گاهی به شکل شبه‌جنبش‌های معنوی که در باطن سیاسی هستند، وارد عمل می‌شوند، مانند جمعیت امدادی امام علی، ساهاجا یوگا، انکار و ده‌ها جریان دیگر. شبه‌جنبش‌های معنوی نوع اول برای نفوذ و تغییرات فرهنگی نمی‌توانند کار زیادی انجام دهند، آنها بستری را برای پیدایش شبه‌جنبش‌های نوع دوم فراهم می‌کنند که کار اصلی به دست آنها انجام می‌شود.

شبه‌جنبش‌های نوع دوم در آغاز پیدایش ارتباطی با کانون‌های قدرت ندارند، بلکه تحت تأثیر **قدرت عرضه** شبه‌جنبش‌های نوع اول و جوّ وجود آمده در اثر فعالیت آن‌ها پدید می‌آیند و ممکن است هیچ‌گاه در ارتباط مستقیم با کانون‌های قدرت قرار نگیرند، ولی می‌توانند سرخط حرکت را با الگوگیری از شبه‌جنبش‌های نوع اول دریافت کنند و کاملاً در مسیر اهداف نظام لیبرال-سرمایه‌داری حرکت کنند. فعالیت شبه‌جنبش‌های نوع اول با محتوای نحیف و تکنیک‌های قوی و جذاب که موجب کسب شهرت و ثروت و محبوبیت می‌شود، این پیام را به افراد هوشمند و توانمند جامعه

می‌دهد که به‌سادگی می‌توانید کپی برداری کنید و جریانی معنوی به راه اندازید و ثروت و شهرت کسب کنید. به این ترتیب فضا برای پیدایش شبه‌جنبش‌های نوع دوم سهل و ساده می‌شود. تبلیغات رسانه‌ای و ابرفرهنگ جهانی هم شبه جنبش‌های نوع دوم موفق را حمایت می‌کند و به روند گسترش خودجوش آنها دامن می‌زند.

در اینجا لازم است تا مفهوم **قدرت عرضه** را که با شبه‌جنبش‌های نوع دوم پیوند مفهومی دارد، تعریف کنم. این مفهوم به حجم فضای فرهنگی که درباره یک موضوع یا ایده پدید می‌آید، اشاره می‌کند. قدرت عرضه از سه مؤلفه تکرار، تنوع و جذابیت تشکیل شده است و افکار مخاطب را کِرخت و عواطف آنان را پذیرا می‌سازد. قدرت عرضه، رابطه مستقیمی با استفاده‌انگیزی از رسانه‌ها دارد.

تکرار پیام به این است که می‌بینید، صدها سخنران و نویسنده مشهور نظیر لوئیز هی، دبی فورد، ون پراگ، وین دایر، راندا برن، ماسارو ایموتو و... وارد عمل می‌شوند و همه یک مجموعه از باورها و ارزش‌های معنوی را بیان می‌کنند. همچنین وقتی هر کدام از این افراد یا شبه‌جنبش‌ها حرف‌های شان را مکرر بیان می‌کنند، عامل تکرار را نظاره می‌کنید.

تنوع در این است که می‌بینید، شبه‌جنبش‌های بسیار و افراد جریان ساز به شکل‌های گوناگون و در قالب‌های مختلف از قبیل سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی، مجلات، رمان‌ها، کتاب‌ها، کارگاه‌ها، سمینارها، فیلم‌ها و... محتوای مشابهی را به شیوه‌های گوناگون بازگو می‌کنند. شکل‌های متنوع بیان یک ایده، محملی برای تکرار بیشتر ایجاد می‌کند و در مجموع تنوع و تکرار وسعتی را در انتقال پیام ایجاد می‌کند، که قدرت عرضه را می‌سازد.

جذابیت عامل سوم است که قدرت عرضه را می‌سازد. استفاده از شیوه‌های هنری، شگفتی‌انگیزی، علمی‌نمایی محتوا، جذاب‌های جنسی و سایر

عواملی که هیجان‌ها و عواطف مخاطب را بر می‌انگیزد، عنصر جاذبه را تأمین می‌کند و به قدرت عرضه عمق می‌دهد.

این همه تکرار و تنوع و تلاش برای جذاب سازی در شبه جنبش‌های معنوی دیگر عرضه ساده پیام نیست، بلکه نمایش باشکوه و مؤثری از قدرت عرضه است، به طوری که صدای مخالفی برنخیزد و اگر هم برخواست، شنیده نشود. بسیاری از مردم، تحت تأثیر قدرت عرضه برای پذیرش آماده می‌شوند. بسیاری دیگر در تحیری کرخت و غبارآلود بی تفاوت می‌شوند و در نتیجه شبه جنبش‌های معنوی فاتح میدان رویارویی فرهنگی می‌شوند.

بسیاری از نویسندگان و سخنرانان و مبلغان شبه جنبش‌ها تحت تأثیر قدرت عرضه قرار گرفته و هنر و استعداد خود را به کار انداخته‌اند. آن‌ها خط و ربط روشنی با کانون‌های قدرت و اتاق‌های فکر سرمایه‌داری ندارند، ولی در ساختن دنیای معنوی لیبرال سرمایه‌داری، به‌طور خودجوش به مشارکت گرفته شده‌اند. آن‌ها بازیگرانی ساخته و پرداخته قدرتمندان هستند و از نفوذ هژمونی لیبرال سرمایه‌داری بر خودشان اطلاعی ندارند یا نمی‌خواهند بپذیرند که تحت سلطه هستند. پس بدون توجه به ریشه‌ها و اهداف شبه جنبش‌های معنوی، به مبلغی فعال و حتی خلاق برای آن‌ها تبدیل می‌شوند.

نتیجه

شبه جنبش‌های معنوی را نمی‌توانیم مثل فرقه‌های ضاله در نظر بگیریم و طوری با آنها برخورد کنیم که گویا پایگاه اجتماعی محدودی دارند و مردم از حذف آنها خرسند می‌شوند. آنها شبه جنبش اجتماعی هستند و شبیه جنبش‌های اجتماعی می‌کوشند پایگاه اجتماعی داشته باشند. این موضوع با برخورداری از پشتیبانی‌های رسانه‌های و تبلیغاتی بسیار حساس می‌شود. استفاده از قدرت عرضه و شکل‌گیری شبه جنبش‌های نوع دوم مسأله‌ها را

پیچیده تر می کند. به طوری که شما در مواجهه با شبه جنبش های نوع دوم واقعا با تعداد زیادی از افراد با استعداد و نخبه روبرو هستید که اگرچه برای منافع قدرتمندان کار می کنند، اما خودشان متوجه نیستند و فعالیت های خود را خدمت می پندارند. بنابراین هر نوع برنامه ریزی و سیاست گزاری برای مهار آنها باید با توجه به پشتوانه های رسانه ای و تبلیغاتی و پایگاه اجتماعی آنها صورت گیرد.

منابع

۱. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷) جامعه شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران، تیان، چاپ اول.
۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) جامعه شناسی. ترجمه حسن جاوشیان. تهران، نی، ویراست چهارم، چاپ سوم.
۳. مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۹۵) آسیب شناسی شبه جنبش های معنوی. قم: انتشارات صهبای یقین.
۴. فوکو، میشل (۱۳۹۱) حقیقت و قدرت. لارنس کِهون. از مدرنیسم تا پست مدرنیته. گروه مترجمان. ویراستار فارسی: عبدالکریم رشیدیان، تهران، نی. چاپ نهم.
۵. نای، جوزف (۱۳۸۹) قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق، چاپ سوم.
۶. لارنا، انریک و دیگران (۱۳۸۹) جنبش های نوین اجتماعی. ترجمه سید محمد کمال سروریان و علی صبحدل، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
۷. روشه، گی (۱۳۸۱) تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، چاپ سیزدهم.
۸. ایزدی، فؤاد (۱۳۹۰) دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.

۹. Barker, Eileen (۱۹۹۰). *New Religious Movements: A Practical Introduction* (Paperback) Bernan Press
۱۰. Singer, Margaret Thaler; Lalich, Janja (۱۹۹۶), *Cults in Our Midst*, San Francisco, Calif.: Jossey-Bass

راهکار های مقابله با شبه جنبش های معنوی

مقدمه

مقابله با هر موضوعی باید متناسب با ویژگی های آن باشد. در مواجهه با شبه جنبش های معنوی با توجه به ویژگی های آنها می توانیم راه و روش مقابله ای مناسب و مؤثر را طراحی و اجرا کنیم. شبه جنبش های معنوی با استفاده از قدرت عرضه با تکرار و تنوع و جذابیت، پیام خود را به مردم عرضه می کنند و با ایجاد جهت گیری شناختی در جامعه، استعدادها و خلاقیت های مردم را در جهت اهداف خود به کار می گیرند. به این ترتیب شبه جنبش های نوع دوم ایجاد می شود. سپس با کشف و شناسایی آنها به طور غیر مستقیم برای توانمندسازی و افزایش اثربخشی حمایت هایی نظیر پوشش تبلیغاتی، مشاوره های مدیریتی و اقتصادی به آنها ارائه می دهند.

برای مقابله با شبه جنبش های معنوی ناگزیریم که یک شبکه مردمی ایجاد کنیم و از حکومتی شدن این امر بپرهیزیم. البته این به معنای رها کردن موضوع از سوی نهادهای حاکمیتی نیست. بلکه آنها وظیفه دارند با کشف و شناسایی افراد جریان ساز و حرکت های مردمی در مقابله با شبه جنبش های معنوی، برنامه حمایتی مشخصی را اجرا کنند و جریان مقابله با شبه جنبش های معنوی را در جامعه توانمند سازند. بنابراین مردمی سازی جریان مقابله با شبه جنبش های معنوی یک راهبرد کلان در این میدان است. اما سوال اصلی این است که چطور می توانیم به طور علمی راهبرد مردمی سازی مقابله با شبه جنبش های معنوی را اجرا کنیم؟

بستر سازی برای ایجاد شبکه مردمی

ایجاد جریان مردمی مقابله با شبه جنبش های مردمی خود به خود صورت نمی گیرد. در گام اول نیاز به بستر سازی و ارائه سرمشق دارد. برای این

منظور باید افراد و گروه‌هایی را برای این کار آماده کرد و با حمایت‌های مستقیم به موفقیت رساند. با وجود تعدادی از افراد و مؤسسات موفق و اثرگذار در عرصه مقابله با شبه جنبش‌های معنوی، افراد هوشمند و خلاق جذب این فعالیت‌ها می‌شوند و چه بسا بهتر از گروه اول تلاش کنند و اثر بگذارند. از اینجا به بعد موضوع شناسایی و کشف افراد جریان‌ساز یا گروه‌ها و سازمان‌های مردمی آغاز می‌شود.

در دهه ۸۰ که موضوع معنویت‌های نوظهور و عرفان‌های کاذب در کشور مطرح شد، سازمان‌های دولتی به افرادی که در این میدان وارد شده بودند، روی آوردند. سخنران‌ها، برنامه‌های آموزشی و کتاب‌ها و مقالاتی در این زمینه پدید آمد. این موضوع موجب شد که افراد و گروه‌های زیادی به موضوع علاقه نشان دادند و به میدان مقابله با شبه جنبش‌های معنوی وارد شدند. اما در دهه ۹۰ به علت افزایش مسائل اقتصادی و فقدان برنامه مشخص برای مقابله با شبه جنبش‌های معنوی در سازمان‌های دولتی، موضوع رها شد و پیشگامان عرصه مقابله با شبه جنبش معنوی توانایی و اثربخشی خود را از دست دادند. علت این عارضه در این بود که از ابتدا این افراد و مؤسسات پیش‌گام مورد حمایت مستقیم قرار نگرفته بودند و زیرساخت پایدار برای تداوم فعالیت‌های آنها ایجاد نشده بود. بنابراین به محض رها کردن موضوع از سوی سازمان‌های دولتی، پیشگامان مقابله از دور خارج شدند و مسأله مقابله با شبه جنبش‌های معنوی از دیدگاه نیروهای اجتماعی که می‌توانستند به این جریان وارد شوند، خارج شد. به طوری که در اواخر دهه ۹۰ دوره‌های آموزشی مربوط به مقابله با شبه جنبش‌های معنوی تعطیل شد و آثار منتشر شده در این حوزه بی‌مخاطب ماند.

بستر ایجاد جریان مردمی مقابله با معنویت‌های نوظهور ایجاد مؤسسات و گروه‌هایی است که بتوانند سرمشق موفق و جذابی را در بین فعالان مردمی ارائه دهند. در این بستر استعدادها برانگیخته می‌شود و خلاقیت‌ها بروز می‌یابد و جریان مردمی مقابله با شبه جنبش‌های معنوی شکل می‌گیرد.

شناسایی و حمایت از گروه های فعال

گروه های مردمی فعال و افراد جریان ساز و خلاق در بستر مناسب پدید می آیند. کشف و شناسایی آنها در برنامه منظمی برای حمایت های زیربنایی باید صورت بگیرد. برگزاری رویدادها، همایش ها و حتی مسابقات علمی و فرهنگی ظرفیت خوبی برای شناسایی افراد و گروه های مورد نظر دارد.

در اینجا با دو آفت مهم روبرو هستیم. نخست اینکه سازمان های متخلف که از ظرفیت های شناسایی استفاده می کنند، شناسایی را پایان کار می انگارند، و بعد از معرفی و تقدیر از افراد و گروه های فعال آنها را به حال خود رها می کنند. این موضوع موجب دلسردی و تغییر مسیر این گروه ها و افراد می شود به طوری که رسالت مقابله با شبه جنبش های معنوی را بی ارزش تلقی کرده و به موضوعات دیگر رو می آورند. آفت دوم ایجاد رقابت کاذب و تخریب متقابل در میان این افراد و گروه هاست. این آسیب گذشته از ابعاد فرهنگی و تربیتی، دارای ابعاد مدیریتی است که سازمان های دولتی که در حوزه فرهنگ مسئولیت دارند، می توانند از رخ دادن چنین مسائلی جلوگیری کنند. در مجموع هر دو آفت راه علاج دارد.

تدوین برنامه حمایتی مؤثر

حمایت به معنای تزیریق پول نیست. حمایت باید برنامه ای باشد. حمایت برنامه ای شامل اهداف، راه رسیدن به اهداف و منابع تأمین مالی است. هر کدام از این سه جزء نکات مهمی را در جهت شبکه سازی نیروهای مردمی دربردارد.

اهداف باید قابل خرد شدن در بین افراد و گروه های مختلف باشد. اهداف خرد در ذیل اهداف کلان تعریف می شود. به طوری که مشارکت جمعی گروه ها و افراد جریان ساز را بطلبد و هر کدام، نقش و کارکرد خود را در یک طرح کلان فرهنگی دریابند. اهداف کلی خرد نشده موجب موازی کاری

های بیهوده و به زمین ماندن بخشی از امور ضروری و پیدایش رقابت های کاذب می شود. اما اهداف خردی که در ذیل یک هدف کلان دیده شده‌اند، زمینه شبکه سازی و مشارکت را در جهت انقلاب فراهم می سازد. به طوری که هر گروه و فرد مؤثر به دیگران احساس نیاز می کند و در قبال آنها وظیفه ای را می پذیرد. زمانی که نیروهای فرهنگی ببینند که می توانند از نتیجه کار دیگران استفاده کنند و به آنها فایده ای برسانند، روابط مستحکمی میانشان صورت می گیرد که موجب همدلی و تأثیرگزاری بیشتر می شود.

برنامه ها باید به صورتی طراحی شود که خروجی و خدمات مشخصی را به دست دهد. انواع خدمات آموزشی، پژوهشی، مشاوره ای، رسانه ای و تبلیغی در برنامه ها می گنجد. این حوزه های برنامه ای دارای زیر شاخه های فراوانی است که با وجود صدها گروه فعال نمی توان به همه آنها رسید. آموزش می تواند، به تربیت نیروی متخصص، آموزش های نیمه تخصصی برای بخشی از اقشار تأثیرگذار، آموزش عمومی و انواعی از آموزش های کوتاه مدت و بلند مدت، متمرکز و غیر متمرکز تقسیم شود، که هر کدام نوعی از توانمندی را نیاز دارد و انجام همه آنها از توان یک گروه مردمی خارج است. در حوزه پژوهش و تبلیغ و رسانه هم تقسیمات فراوانی وجود دارد، که برنامه گروه های مختلف را به حسب علایق و توانمندی های شان معلوم می نماید. با چنین برنامه ای کارهای زمین مانده مشخص می شود و امکان ورود گروه های جدید به میدان مقابله با شبه جنبش های معنوی فراهم می گردد.

تأمین مالی این برنامه ها از درون خودش صورت خواهد گرفت. برنامه های آموزشی نیاز به محتوایی دارد که از گروه های پژوهشی خریداری می شود. برنامه های تبلیغی و رسانه ای نیاز به محتوا و کارشناسی دارد، که با گروه های آموزشی و پژوهشی تأمین می شود، از سوی دیگر برنامه های آموزشی نیاز به تبلیغ و پوشش رسانه ای دارد که با گروه های مربوطه تأمین می شود. این شبکه شاید در مجموع میلیاردها تومان گردش مالی داشته باشد، اما با

تزییق مبلغ بسیار کمی در جای مناسب، شبکه را تأمین می کند. بخش مهمی از تأمین مالی این شبکه پویا و اثربخش به صورت مردمی تأمین خواهد شد، چون مطابق نیازها محصول و خدمات تولید می شود و با پوشش تبلیغی و رسانه ای خوب عرضه می گردد.

مقابله فعال و پیشگیرانه

شبه‌جنبش‌های معنوی قدرت عرضه را به طور گسترده ای به کار گرفته‌اند. در سه دهه اخیر میلیون‌ها نسخه کتاب با صدها عنوان مختلف، ده‌ها مجله زرد و پرتیراژ، صدها سایت، هزاران محفل و حلقه و جلسه رسمی و غیررسمی و مؤسسات متعدد مشغول ترویج شبه‌جنبش‌های معنوی هستند. در این شرایط همه مردم در معرض آسیب‌های ناشی از آن‌ها قرار دارند. امروزه بسیاری از شهرهای کوچک و حتی مناطق روستایی را در معرض نفوذ شبه‌جنبش‌های معنوی قرار داده است. البته همه کسانی که به‌نوعی مخاطب شبه‌جنبش‌های معنوی هستند، به یک اندازه اثر نمی‌پذیرند. به‌طور کلی مخاطبان آن‌ها را می‌توانیم به سه گروه تقسیم کنیم:

یکم؛ اکثریت قابل توجه کسانی هستند که از روی سرگرمی یا کنجکامی در این برنامه‌ها وارد شده‌اند.

دوم؛ اقلیتی که در اثر ارتباط با شبه‌جنبش‌های معنوی دچار تعارض و تزلزل شده‌اند.

سوم؛ اقلیت بسیار کمی که متعصب‌اند. به این معنا که تغییرات آن‌ها کامل شده و دیگر شبهه ندارند و کاملاً افکار انحرافی را جذب کرده‌اند.

متعصبان نیازمند مراقبت ویژه معنوی هستند و باید برنامه‌های خاصی جهت بازپروری معنوی روی آن‌ها انجام شود. (مظاهری سیف، ۱۴۰۱، ص ۲۵۶) گروه دوم هم با مراجعه به مشاوران معنوی که آموزش‌های لازم را دیده

اند، قابل راهنمایی هستند. اما مهمترین و پرشمارترین دسته همان گروه اول است، که تقریباً شامل تمام مردم می شود؛ چون همه در معرض تبلیغات وسیع و قدرت عرضه شبه جنبش های معنوی هستند. هدف گیری اصلی مقابله با شبه جنبش های معنوی، مقابله با گسترش آنها در بین این گروه است.

روش روشنگری پیشگیرانه راهبرد کلیدی مقابله با شبه جنبش های معنوی است. قدرت عرضه شبه جنبش های معنوی موجهی نیست که به سادگی فرونشیند، «این ها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش بینی دشمنان اسلام انجام می گیرد.»^۷ قلمرو روشنگری پیشگیرانه، همه مردم جامعه است؛ غیر از گروه دوم و سوم که این روش در آنها تأثیری ندارد.

قواعد روشنگری پیشگیرانه

روشنگری پیشگیرانه با رعایت اصول زیر قابل اجراست:

یکم. جذابیت و آسیب های شبه جنبش های معنوی با هم گفته شود. در صورتی که فقط آسیب های آنها بیان شود، مخاطب پس از مواجهه با آنها اطلاعات اولیه خود را نادرست ارزیابی کرده و منابع روشنگری را دروغ گو می پندارد.

دوم. نقد و آسیب شناسی در کنار ارائه معنویت حقیقی به نسبت ۳۰-۷۰ بیان شود. نقدها مردم را به یک فضای منفی و خالی می برد و در این شرایط نیاز به معرفی جایگزین بسیار ضروری است. گاهی هم نهادی نقد و ارائه معنویت حقیقی به مقایسه و درک عمیق تر و روشن تر نقدها نیز کمک می کند.

سوم. در سطح عمومی جامعه نقدها حتی الامکان از سوی افراد غیر روحانی ارائه گردد. بیان نقدها از سوی روحانیون برای کسانی که پیش فرض‌های منفی دارند، تفسیرهای نادرستی را به دنبال می‌آورد. مثل اینکه روحانیون برای اثبات درستی خودشان دیگران را نقد و تخطئه می‌کنند.

چهارم. در نقدها مرزهای معنایی و مفهومی بین ادبیات میزبان و ادبیات مهاجم روشن شود. اهمیت این نکته از آن رو است که شبه‌جنبش‌های معنوی با استفاده از ادبیات جامعه‌ای که به آن وارد می‌شوند و با استفاده از واژگان مقدس و مأنوس فرهنگ مورد هجوم مطالب خود را تنظیم و عرضه می‌نمایند. این کار موجب می‌شود که مردم به آن‌ها اعتماد می‌کنند و احساس نمی‌کنند که در حال دریافت مطالبی بیگانه و متعارض با معارف بومی و دینی خود هستند. و از اینجاست که لفظ مشترک موجب دگرذیسی مفهومی می‌شود و تغییر باورها و ارزش‌ها آغاز می‌شود.

پنجم. در ضمن نقدها اشاره گذرا به مصادیق صورت بگیرد، ولی اصل بحث در بیان معیارها و شاخص‌های تمایز معنویت حقیقی و کاذب باشد. اساس نقدهای روشنگرانه بر ارائه معیارهای کلی و شاخص‌هایی است که در بین شبه‌جنبش‌های معنوی شیوع دارد؛ اما صرف نظر کردن از مصادیق مهم و به‌روز شایسته نیست؛ زیرا همه مخاطبان نمی‌توانند معیارهای کلی را به‌دقت دریافت کنند و به‌درستی بر مصادیق تطبیق دهند؛ بنابراین اشاره به مصادیق مهم و فعال ضروری است.

ششم. ارائه معنویت حقیقی متضمن برنامه‌های عملی مناسب با موضوع نقد و به‌صورت انگیزشی باشد و کمتر بر ابعاد بینشی تکیه شود. مشکل بزرگی که فضای خالی برای ورود شبه‌جنبش‌های معنوی ایجاد کرده، این است که با توجه به منطق محکم و عقلانیت نیرومند موجود در معنویت اسلامی، معلمان معنوی بیشتر همت خود را بر بیان ابعاد منطقی و تبیین عقلانی معنویت اسلامی قرار داده‌اند و کمتر به ابعاد انگیزشی، هیجان‌زا و شورانگیز

معنوی می پردازند. این اشتباه سبب شده است که شبه‌جنبش‌های معنوی با به‌کارگیری تکنیک‌های انگیزشی و جاذبه هیجانی بتوانند بر مخاطبین بیشتر تأثیر بگذارند.

هفتم. از همه عوامل جامعه‌پذیری برای روشنگری پیشگیرانه استفاده شود. مدرسه، رسانه، مطبوعات، گروه همسالان، معلمان و روحانیان، همه باید برای ایجاد یک نهضت روشنگری نسبت به شبه‌جنبش‌های معنوی مشارکت کنند. برای تحقق نهضت روشنگری آموزش نیمه تخصصی اقشار خاص که عوامل فعال این حرکت هستند؛ نظیر روحانیون، فرهنگیان، مدیران فرهنگی، هنرمندان، برنامه‌سازان و مدیران رسانه، خبرنگاران و فعالان فرهنگی ضرورت دارد تا یک جریان روشنگری عمومی در جامعه شکل بگیرد. (مظاهری سیف، ۱۳۹۵، ص ۳۰۳)

عده‌ای گمان می‌کنند که روشنگری ممکن است به معرفی این جریان‌ها به جوانان و اقشار آسیب‌پذیر فرهنگی منتهی شود و جنبه تبلیغی برای شبه‌جنبش‌های معنوی پیدا کند. این ترس، بسیار نابه‌جا و خطرناک است و نتیجه آن این است که دست روی دست بگذاریم تا زمانی که بخش عمده‌ای از جامعه دچار آسیب‌های شبه‌جنبش‌های معنوی شوند و آنگاه بخواهیم مردم را از این آسیب‌ها آگاه کنیم یا به آسیب دیدگان کمک کنیم که سلامت معنوی خود را بازیابند. در نهایت تأکید بر این نکته بسیار مهم است که هیچ درمان و راه حلی برای آسیب‌های فرهنگی بهتر از پیش‌گیری و مصون‌سازی نیست و پیش‌گیری در قلمرو امور فرهنگی و معنوی تنها با آگاهی بخشی و روشنگری امکان‌پذیر است.

هسته‌های روشنگری در همه گروه‌های جمعیتی باید شکل بگیرد. در دانشگاه‌ها، محیط‌های شغلی، محله‌ها و فضای عمومی شهرها باید با این موج روشنگری آشنا شود. با توجه به فلسفه وجودی نظام اسلامی و آرمان

های انقلاب اسلامی این هسته‌ها باید به سایر کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیر اسلامی راه پیدا کند و در سراسر جهان گسترش یابد.

منابع

۱. مقام معظم رهبری سید علی خامنه‌ای، بیانات؛ ۱۳۸۹/۷/۲۷
۲. حمیدرضا مظاهری سیف، ۱۴۰۲؛ شبه جنیش های معنوی درآمدی بر پیشگیری و رهاسازی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. حمیدرضا مظاهری سیف، ۱۳۹۵؛ آسیب شناسی شبه جنیش های معنوی. قم: انتشارات معنویت پژوهشی وابسته به پژوهشکده مطالعات معنوی

کارنامهٔ مقابله با شبه جنبش های معنوی

مقدمه

حدود شش دهه از فعالیت شبه جنبش های معنوی در ایران می گذرد. پرسش مهم این است که در مقابل این جریان ها چه اقداماتی صورت گرفته است؟ گذشته از آسیب های گوناگون و تعارض آموزه های شبه جنبش های معنوی با اسلام و فرهنگ ایرانی انتظار می رود که پس از انقلاب اسلامی برنامهٔ منسجم و مؤثری در مصاف با این جریان ها طراحی و اجرا شده باشد. به ویژه آسیب دیدگان این جریان ها و خانواده های آنها انتظار دارند، که سازمان های فرهنگی و دولتی در این زمینه اقدامات مؤثری انجام دهند. در این مقاله به کارنامهٔ مقابله با شبه جنبش های معنوی می پردازیم.

پیشگامان مقابله

اولین شخصیتی که به نقد و مقابله با عرفان های نوظهور پرداخت ایت الله محمد تقی جعفری است. ایشان مستقیماً به نقد آثار کریشنا مورتی وارد شد و کتاب «رهایی از دانستگی» او را مورد تحلیل و نقد قرار داد. ایشان در فصلی با عنوان کریشنا مورتی و سفسطه‌هایش در یکی از مجلدات شرح و تفسیر نهج البلاغه این کتاب و آراء کریشنا مورتی را به دقت بررسی کرده اند. این مطالب بعدها با تلاش آقای محمدرضا جوادی به صورت کتابی مستقل تدوین و با تلاش انتشارات فرهنگ اسلامی منتشر شده است.

استاد مطهری در آثارش به خلاء معنویت در غرب مدرن پرداخته (یادداشت‌های استاد مطهری؛ ج ۱؛ ص ۳۹۷) و رویکردهای معنویت گرایی جدید را به نقد کشیده است. او مبنای معنویت های نوظهور را در انسان گرایی می‌داند. و آنها را ارائه دهنده نوعی عرفان یا معنویت بدون خدا می‌داند. « اخیراً به عرفان توجه پیدا کرده‌اند، از باب اینکه آن را «فرهنگ انسانگرا» می‌دانند. نمی‌دانند که اساس عرفان، خداآگاهی و تسلیم به خدا

است. می‌خواهند عرفان را از خدا جدا کنند و عرفان هم باشد. امکان ندارد.» استاد مطهری چنین نگرشی را نه انسان‌گرایی بلکه انسان‌پرستی می‌داند. (یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱، ص: ۳۹۸) او با تأکید بر ارزش و اهمیت انسانیت، معنویت‌گرایی غربی را که مبتنی بر لیبرالیسم است و معنویت‌گرایی شرقی را که مبتنی بر کمونیسم و نفی فردیت است، نادرست و ناکام می‌داند. مطهری معتقد است که تنها در پرتو ایمان به خداوند معنی‌ها محدود می‌شود و ابعاد معنوی وجود انسان روبه شکوفایی می‌رود. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ ج ۲۳؛ ص ۱۴۵)

آغاز ماجرای مقابله با شبه جنبش‌های معنوی

مقابله با معنویت‌های نوظهور یا شبه جنبش‌های معنوی به طور رسمی از سال ۱۳۸۳ آغاز شد. در آن سال نامه‌ای از دفتر مقام معظم رهبری به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شد که در آن بر ضرورت توجه به جریان‌هایی که به اسم عرفان و معنویت در کشور فعالیت می‌کنند، تأکید شده بود. شورای عالی انقلاب فرهنگی پس از جلساتی که تا سال ۸۵ ادامه یافت، دستورالعملی را برای سازمان‌های مختلف ارائه نمود. اما به علت ابهام در موضوع و مصادیق این جریانها کار جدی صورت نگرفته است.

نهادهای امنیتی این موضوعات را فرهنگی می‌بینند و تا عناوینی مثل ارتباط با دول متخاصم و جاسوسی پیدا نشود، به آنها نمی‌پردازند. سازمان‌های فرهنگی هم این موضوعات را در اولویت قرار نمی‌دهند و گمان می‌کنند، صرف ترویج مسائل دینی و فرهنگی مثبت بازدارنده خواهد بود. در حالی که بعد از لاله، الاله معنای درستی پیدا می‌کند. نتیجه سالها ارتباط و پیگیری در سازمان‌های فرهنگی کشور این است که گزارش‌های ارائه شده برای مقابله با معنویت‌های نوظهور معمولاً بزرگنمایی کارهای بسیار کوچکی است که گاهی توسط سازمان‌های مردمی انجام شده است

و هیچ برنامه حساب شده و بلند مدتی برای این مسأله خطیر و بنیان برانداز وجود ندارد.

اقدامات مراجع

آیت الله مکارم شیرازی شخصا به میدان نقد برخی از این جریان ها نظیر عرفان حلقه وارد شدند و با حمایت از موسسه علمی فرهنگی بهداشت معنوی زمینه پژوهش و تربیت نیرو در عرصه مقابله با معنویت های نوظهور را فراهم کردند. شبکه ولایت که تحت اشراف آیت الله مکارم شیرازی به صورت ماهواره ای فعالیت می کند؛ با تولید مجموعه برنامه «ناگفته‌های ادیان» در ده ها قسمت به نقد و بررسی عرفان های نوظهور پرداخت. همچنین مجموعه ۱۰ قسمتی «سیری در جهان معنویت» و ویژه برنامه «نجات از حلقه» با حضور برخی از آسیب دیدگان این جریان تولید شد. به این ترتیب شبکه ولایت رکورد بیشترین تولیدات صوتی و تصویری را در بین شبکه های مختلف رسانه ای (رسانه ملی و شبکه های ماهواره‌ای) به خود اختصاص داده است.

آیت الله وحید خراسانی با تأسیس موسسه آموزش عالی خاتم النبیین بستری برای آموزش طلاب در جهت مواجهه با فرق و ادیان از جمله معنویت های نوظهور فراهم نمودند. همچنین این مجموعه بیش از یک دهه است، که دوره های آموزش عمومی برای مخاطبان غیر حوزوی را در استان های مختلف کشور برگزار می کند.

مرکز مدیریت حوزه های علمیه

در بین بخش های مختلف مرکز مدیریت حوزه های علمیه عمده فعالیت های مربوط به شبه جنبش های معنوی در معاونت تبلیغ انجام شده و سایر معاونت های حوزه برنامه خاصی در رابطه با معنویت های نوظهور نداشته اند.

معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم از سال ۱۳۸۵ اداره کل فرق و ادیان را تأسیس کرد و در حوزه های مختلف از جمله عرفان های نوظهور مشغول آموزش شد. دوره های اولیه توسط دکتر محمد تقی فعالی و سپس حمید رضا مظاهری سیف برگزار شد. نتیجه این دوره صدها نفر از طلاب هستند که آموزش های مقدماتی جریان شناسی و مقابله با معنویت های نوظهور را دیده اند. تعدادی از این افراد با ادامه مطالعات شان به فعالیت های تبلیغی در این زمینه روی آورند.

در سالهای اخیر معاونت تبلیغ حوزه به فضای مجازی وارد شده و گروهی از دانش پژوهان دوره های گذشته به تولید محتوا و پاسخ به شبهات مربوط به عرفان های نوظهور در شبکه های اجتماعی مشغول هستند. در سال ۱۴۰۲ گروه های علمی اداره کل فرق و ادیان دوباره احیا شده و سرگرم برنامه ریزی برای آینده هستند.

در بعد آموزشی درختواره رشته های حوزوی امکان تحصیلات عالی حوزوی در رشته نقد معنویت های نوظهور را در سطح سه و چهار فراهم کرده است. البته تاکنون طرح درس این رشته ها تصویب و اجرا نشده است.

دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم

دفتر تبلیغات حوزه در بخش های مختلف اقداماتی در جهت مقابله با معنویت های نوظهور انجام داده است. در گام اول مرکز آموزش های آزاد دفتر به تشکیل کارگروه تخصصی عرفان های نوظهور و طراحی دوره تربیت مربی اقدام کرد. دوره های بلند مدت به طول دو سال و با ارائه حدود ۲۰ واحد درسی به صورت پاره وقت برگزار شد. خلاصه دوره ها بر اساس کتاب آفتاب و سایه ها توسط حمید نگارشی ضبط شد و در قالب یک بسته ارائه گردید. یک دوره بلند مدت در حدود سالهای ۸۷ و ۸۸ در شعبه مشهد توسط محمدتقی فعالی برگزار شد. و دوره بلند مدت دیگری در تهران از

سال ۹۷ تا ۹۹ توسط بهزاد حمیدیه برگزار گردید. دوره های کوتاه مدت متعددی در شعبه اصفهان برگزار شد. در مجموع حدود ۵۰۰ نفر در دوره‌های حضوری شرکت کردند که برخی از آنها به مبلغان فعالی در حوزه مقابله با شبه جنبش های معنوی تبدیل شدند. این دوره ها تا اوایل همه گیری کرونا ادامه داشت. اکنون دفتر در حال برنامه ریزی برای ضبط و ارائه این دوره ها به صورت آنلاین است.

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات در پژوهشکده اخلاق و معنویت تاکنون سه اثر پژوهشی در رابطه با شبه جنبش های معنوی منتشر کرده است. «جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور (۱۳۸۷)» اثر حمیدرضا مظاهری سیف؛ «معنویت گرایی جدید (۱۳۹۷)» اثر احمد شاکرنژاد؛ «شبه جنبش های معنوی درآمدی بر پیشگیری و رهاسازی (۱۴۰۱)» اثر حمیدرضا مظاهری سیف.

معاونت فرهنگی تبلیغی دفتر تبلیغات با تشکیل یک گروه تبلیغی تخصصی فعالیت های تبلیغی در جهت مقابله با معنویت های نوظهور را مورد حمایت قرار داده است. در بخش تبلیغ نوین که بعدها به معاونت رسانه و فضای مجازی تبدیل شد، گروه تبلیغی تخصصی دیگری تشکیل شده است و گاهی گروه های تبلیغی رسانه ای با مشارکت کارشناسان معنویت های نوظهور محتواهایی را تولید کرده اند.

قطب تمییق ایمان و مقابله با فرق انحرافی که از سال ۹۴ فعالیتش را آغاز کرده است. تا کنون دو نشست تخصصی و یک همایش در رابطه با شبه جنبش های معنوی برگزار کرده است. این نشست ها در سال های ۹۶ و ۹۷ در طول یک روز با حضور حدود ۲۰ نفر از اساتید برجسته برگزار شد. حاصل این گفتگوها در دو مجلد از سوی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به انتشار رسیده است.

اولین همایش ملی معنویت های نوظهور در سال ۹۸ شروع به کار کرد که به علت همه گیری کرونا در سال ۱۴۰۰ برگزار شد. در این همایش ۱۲۳ چکیده به دبیرخانه ارسال شد و ۱۴ مقاله سفارشی از اندیشمندان و استادان نامی در حوزه معنویت های نوظهور به دبیرخانه ارسال شد. همچنین از ۸۰ مقاله رسیده به دبیرخانه این همایش در نهایت ۳۰ مقاله پذیرفته شده است. ۱۴ پیش نشست برای برگزاری این همایش برگزار گردید و در نهایت حدود ۴۰ ارائه در پنلهای مختلف روز همایش انجام شد. خروجی علمی این همایش به صورت چکیده مقالات، مجموعه مصاحبه ها و مجموعه مقالات همایش از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر شد. دبیر خانه دائمی این همایش برنامه برگزاری دومین همایش را در سال ۱۴۰۲ طراحی کرده و مقدمات اجرای آن فراهم شده و ایده برگزاری سومین همایش در حال بررسی و برنامه ریزی است.

قطب تعمیق ایمان در اقدامی دیگر پروژه درسامه نقد معنویت های نوظهور را به بهزاد حمیدیه سپرد و در سال ۹۹ آن را به انتشار رساند.

نمایشگاه یکی از روش های انتقال پیام با استفاده از زبان هنر است. یکی از اقدامات قابل توجه قطب تعمیق ایمان نمایشگاه متشکل از مجموعه تابلوها و اشیایی است، که با موضوع نقد و بررسی مهمترین شبه جنبش های معنوی در کشور طراحی شده و در استان های مختلف و برای مخاطبان خاص ارائه می شود.

نهاد رهبری در دانشگاه ها

نهاد رهبری اولین همایش تخصصی درباره معنویت های نوظهور را در دانشگاه تهران و در سال ۸۶ برگزار کرد و در طول سالهای دهه ۸۰ نشست های متعددی را برای دانشجویان و اساتید جهت آشنایی انتقادی با شبه جنبش های معنوی برگزار نمود. ولی در دهه ۹۰ با تصور پایان یافتن

این مسأله موضوعات دیگر را در اولویت نشست های هم اندیشی اساتید قرار داده است.

تأسیس دانشگاه معارف یکی از اقدامات مبارک نهاد برای تربیت اساتید گروه معارف بود. در دو رشته مبنای اندیشه و اخلاق اسلامی در مقطع ارشد و دکتری دانشجویان دو واحد آشنایی با ادیان و عرفان های نوظهور دارند. که به افزایش دانش اساتید در این زمینه کمک شایانی می کند.

دانشگاه ها

مهمترین فعالیت دانشگاه های کشور تا کنون انجام پایان نامه هایی بوده که در نقد شبه جنبش های معنوی نوشته شده است. بیش از صد پایان نامه تا کنون در سطح ارشد و دکتری در نقد شبه جنبش های معنوی نوظهور نوشته شده است. دانشگاه معارف، دانشگاه الزهراء، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشگاه باقرالعلوم، دانشگاه مازندران و دانشگاه ادیان بیشترین اثر را داشته اند. این در حالی است که پایان نامه هایی هم در جهت تأیید و حمایت از شبه جنبش های معنوی نوشته شده است. این موضوع به ویژه در رابطه با یوگا شواهد متعددی دارد.

دانشگاه ادیان در سال ۱۴۰۱ مجوز برگزاری دوره ارشد رشته عرفان های نوظهور را دریافت کرد و از سال بعد برای برگزاری این رشته اقدام کرد. همچنین این دانشگاه دو کتاب ارزشمند را ترجمه و منتشر کرده است، که تا حدودی رویکرد انتقادی به شبه جنبش های معنوی دارد. یکم، «فرقه و جنبش های نوین دینی» نوشته لورن داوسون؛ دوم، «ادیان در دنیای مدرن» نوشته لیندا وودهد البته این دانشگاه در دهه ۸۰ با انتشار نشریه اخبار ادیان رویکردی ترویجی نسبت به شبه جنبش های معنوی داشت، اما در سالهای اخیر این رویکرد تعدیل شده است.

یوگا یکی از موضوعاتی است که نسبت به سایر موارد پایان نامه های بیشتری در تأیید و نقد آن نوشته شده است. معمولاً در رشته های علوم ورزشی، علوم تربیتی و روانشناسی پایان نامه های جانبدارانه ای در رابطه با یوگا نوشته می شود. که تعداد آنها به بیش از ۵۰ مورد می رسد. در کنار این موارد دو پایان نامه های انتقادی ارزشمندی هم نوشته شده که معمولاً رویکرد فلسفی و کلامی دارند، اما در این میان دو پایان نامه قابل توجه است. یکم، «شیوع شناسی آسیب های عضلانی- اسکلتی و بیماری های مرتبط با ورزش یوگا در دو سبک آیینگر و آستانگا» (۱۴۰۱) که برای کارشناسی ارشد رشته علوم ورزشی دانشگاه گیلان انجام شده و برخی از آسیب های جسمی یوگا را بررسی کرده است. دوم، «معانی، انگیزه ها و پیامدهای گرایش به یُگه در شهروندان تهرانی» (۱۳۹۰) که برای کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی به انجام رسیده و نشان می دهد که در ابتدا افراد برای سلامتی به یوگا وارد می شوند، ولی به تدریج با ابعاد معنوی آن آشنا شده و انگیزه آنها، معنای ذهنی آنها از یوگا تغییر می کند.

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

اولین مجموعه مقالاتی که در این زمینه انتشار یافت ویژه نامه تابستان ۸۴ مجله کتاب نقد وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بود. در این ویژه نامه مقالاتی از هادی و کیلی، حمیدرضا مظاهری سیف، بهزاد حمیدیه و نویسندگان دیگر به چشم می خورد. پس از این مجله نشریات گوناگون از جمله ماه نامه معرفت از موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، مجله پگاه از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، مجله رواق اندیشه از مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما و سایر نشریاتی که به حوزه علمیه قم مربوط می شدند، مقالاتی را در نقد معنویت های نوظهور منتشر کردند.

پژوهشگاه تا کنون کتابهای «معنا منهای معنا» اثر علی اکبر رشاد؛ «معنویت در سبب مصرف» اثر بهزاد حمیدیه؛ «عرفان واره ها تبارشناسی و نقد مبانی فکری» اثر مسلم گریوانی؛ «اشو از واقعیت تا خلسه» اثر هادی وکیلی و آزاده مدنی را منتشر کرده است.

سازمان تبلیغات اسلامی

در معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اداره کل فرق و ادیان مهمترین بخشی بود که در رابطه با معنویت های نوظهور فعال شد. این بخش در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ ده ها نشست گفتمان دینی را با موضوع شبه جنبش های معنوی در سراسر کشور برای افشار مختلف به ویژه فرهنگیان و دانشگاهیان و کانون های فرهنگی و قرآنی برگزار کرد.

مجموعه برنامه تلویزیونی «پندار» با حمایت پژوهشکده باقرالعلوم (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) در سال ۹۰ تولید شد. این برنامه ۱۳ قسمتی در شبکه های مختلف سیما از جمله شبکه دو و شبکه مستند پخش شد. سپس در سال ۹۳ دوباره روی آنتن رفت.

مؤسسات مردمی

حرکت های مردمی اولین گامها در جهت مقابله با شبه جنبش های معنوی را تحقق بخشید. اقدامات سازمان های دولتی نیز با استفاده از همین ظرفیت مردمی اتفاق افتاد. اولین شخصی که به برگزاری کارگاه های آموزشی در این زمینه همت گماشت محمد تقی فعالی بود. اولین کتاب در نقد شبه جنبش های معنوی «جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور» اثر حمیدرضا مظاهری سیف است که در سال ۸۷ از سوی انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر شد. سپس کتاب «آفتاب و سایه ها» نوشته محمد تقی فعالی انتشار یافت. پس از آنها احمد حسین شریفی کتاب «عرفان حقیقی و عرفان های کاذب» را در سال ۸۸ به چاپ رساند و موج

دیگری در برگزاری دوره ها و کارگاه های آموزشی برای مقابله با شبه‌جنبش‌های معنوی برانگیخت. در پرتو این حرکت ها ده ها کتاب و برنامه های آموزشی و تبلیغی پدید آمد که غالبا از سوی طلاب و حوزویان ارائه می شد. موسسه بهداشت معنوی که به همت جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم در سال ۸۹ تأسیس شد، با انتشار بیش از چهل عنوان کتاب در حوزه نقد معنویت های نوظهور پرکار ترین مرکز حوزوی در زمینه تحقیق و انتشار کتب نقد معنویت های نوظهور است. محور دیگر اقدامات پژوهشی رصد و پیمایش های اجتماعی است. در این زمینه موسسه بهداشت معنوی پیشتاز بوده است. این موسسه در دهه ۹۰ به طور سالانه گزارش وضعیت موجود معنویت های نوظهور را منتشر کرد و با راه اندازی پایگاه خبری تحلیلی بهداشت معنوی اهم شبه جنبش های معنوی و افراد جریان ساز را معرفی و نقد می کند. اولین رصدنامه این مجموعه با حمایت قطب تعمیق ایمان دفتر تبلیغات اسلامی در سال ۹۶ ارائه شد که رصد گسترده ای نسبت به شخصیت های جریان ساز در حوزه شبه جنبش های معنوی بود و بیش از ۶۰۰ نفر از چهره های فعال داخلی و خارجی تأثیر گذار در کشور را معرفی کرد. ویرایش دوم این رصدنامه در سال ۱۴۰۲ با معرفی بیش از ۸۰۰ نفر از چهره های جریان ساز تهیه شده است.

این موسسه برنامه های رسانه ای متعددی را طراحی و اجرا کرده است. از جمله برنامه راه و بی راه در بیش از ۱۱۰ قسمت در رادیو معارف که در طول سالهای ۹۰ تا ۹۲ تولید شد. رادیو ایران، رادیو تهران، رادیو گفتگو و رادیو جوان نیز در طول این سالها با استفاده از کارشناسان این موسسه برنامه های مختلفی را در جهت نقد معنویت های نوظهور طراحی و تولید کردند.

موسسه حق پژوهی در مشهد سازمان مردمی دیگری است که در جهت مقابله با فرق و ادیان کاذب فعالیت می کند. از جمله در رابطه با شبه‌جنبش‌های معنوی در قالب نشست های علمی و برنامه های آموزش

برنامه های متعددی را اجرا کرده است. این مجموعه در فضای مجازی هم اقدامات خوبی انجام می دهد. در گذشته پایگاه خبری فرقه نیوز و اخیراً تولید محتوا برای شبکه های اجتماعی را در دستور کار خود دارد.

جمع بندی

حوزه علمیه قم پیشگام مقابله با معنویت های نوظهور بوده و فعالیت های گسترده ای را در حوزه های پژوهشی، آموزشی و تبلیغی به انجام رسانده است. این فعالیت ها در فرایندی از تکامل قرار دارد و همچنان پیش می رود. بی تردید اقدامات اولیه کاستی ها و ناپختگی هایی داشته که در کارهای بعدی تکامل یافته و پخته شده است. اما به نظر می رسد که هنوز اقدامات حوزه علمیه قم به لحاظ کمی و کیفی به سطح کافی نرسیده است. بی تردید حوزه و دانشگاه پشتیبان علمی و فرهنگی مقابله با شبه جنبش های معنوی هستند. برنامه های علمی و فرهنگی با کیفیت در حوزه و دانشگاه، پیامدهای مستقیمی را در سازمان های فرهنگی و فرهنگ عمومی کشور به جا می گذارد و هر گونه قصور و کوتاهی در حوزه و دانشگاه زمینه را برای گسترش شبه جنبش های معنوی در کشور و آسیب پذیری بیشتر مردم در پی خواهد داشت. مشکل اصلی در این است که برنامه مشخصی برای مقابله با شبه جنبش های معنوی وجود ندارد. داشتن یک برنامه جامع بسیار مطلوب است، اما ضرورت دارد که دست کم یک سازمان فرهنگی با اولویت اکید برای مقابله با شبه جنبش های معنوی مأموریت داشته و پاسخ گو باشد. ریشه اصلی بی برنامهگی کشور در مقابله با شبه جنبش های معنوی، نآشنایی مدیران و سیاست گزاران فرهنگی با اصل موضوع است.

شبه جنبش های معنوی با «مطالعه و تدبیر و پیش بینی دشمنان اسلام»^۸ طراحی شده اند و اهداف مشخصی را دنبال می کنند. بی تردید مقابله با

انها بدون مطالعه و تدبیر و پیش بینی امکان نخواهد داشت و تداوم وضع موجود، قطعاً به غلبه فرهنگی آنها منتهی خواهد شد. دشمن در دشمنی خود جدی است و ما هم باید جدی باشیم.

منابع

۱. مقام معظم رهبری، سید علی خامنه ای، بیانات
۲. لورن داوسون، فرقه ها و جنبش های نوین دینی، مترجمان: کوثر طاهری، سمانه غلامی، قم انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب ۱۳۹۶
۳. لیندا وودهد، ادیان در دنیای مدرن، مترجمان حمید رضانیا عبدالله غلامرضاکاشی، قم انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب ۱۳۹۶
۴. محمد تقی فعالی، آفتاب و سایه ها، تهران: انتشارات عابد، ۱۳۸۹
۵. احمد حسین شریفی، عرفان حقیقی و عرفان های کاذب، قم: انتشارات صهبای یقین، ۱۳۸۹
۶. حمیدرضا مظاهری سیف، جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷